
مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ
وَاللَّعْنَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَعْدَاءِ اللَّهِ
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا
حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

خدای راسپاسگزاریم که بار دیگر بعد از گذراندن دوره نقاهت از بیماری فرصتی داد که دست به قلم ببرم و برای کتابی که جمع‌آوری گفته‌هایم در بحث «هدف خلقت» است، مقدمه‌ای بنویسیم.

این بار نیز سخن از گفتارهایی است. نه هم چون چهل سال قبل «گفتارهایی پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» و نه به سان ده سال پیش «گفتارهایی پیرامون بلایا و گرفتاری‌ها». آن گفتارهایی فایده نبودند و چندین بار چاپ شدند و پاسخگوی برخی مشکلات اعتقادی و شبهات دینی بودند و در واقع انجام وظیفه‌ای در موضوع خود برای نسل جوان و احیاناً مدرسان مسائل مذهبی بود. یکی از دغدغه‌های بزرگ بشر در طول تاریخ، پرسش از چرایی و چگونگی آفرینش، هدف و مقصد نهایی آن است. این پرسش، یکی از ریشه‌ای‌ترین سؤالات انسان است و اندیشمندان، حتی باورمندان به مکاتب مادی؛ این موضوع را از منظر معتقدات خود پاسخ گفته و جهان‌بینی خود را توجیه کرده‌اند. بشر همیشه با پرسش‌های بحث‌برانگیزی از این دست روبرو بوده که:

هدف خداوند از خلقت چیست؟

خدا که می‌دانست انسان‌ها فساد می‌کنند و دست به اعمال زشت می‌زنند، چرا آن‌ها را آفرید؟

و چرا آن‌ها را مجازات کند؟

انسان که خود نخواستہ تا خلق شود، پس چرا آفریده شد؟

از همان سال‌های ورودم به سلک روحانیت و اشتغال به دروس دینی، طرح این پرسش‌ها و پاسخ‌هایی که به آن داده می‌شد ذهن مرا مشغول می‌ساخت و هر جا مطلبی می‌خواندم و یا گوینده‌ای چه از واعظان و روحانیان و چه از دانشگاهیان در این باره سخن می‌گفت، با دقت به آن توجه می‌کردم که دریابم در نهایت هدف از آفرینش چیست؟ به قول شاعر:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود

به کجا می‌روم آخر نمایم و وطنم^۱

جمله معروفی هم منتسب به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است که می‌فرماید: «خدا رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده؟ و در کجا است؟ و به کجا می‌رود؟»

اما برای این پرسش که گاهی به صورت اشکال مذهبی طرح می‌شد، نه برای دیگران و نه برای خود من پاسخی قانع‌کننده وجود نداشت. زیرا بسیاری از بزرگانی که در مَسند پاسخ‌گویی به آن بودند، چه در منابر دینی و یا کلاس درس دانشگاهی و یا نوشتارهای مذهبی به سؤال‌کننده و مخاطب خود توجه نداشتند. به همین خاطر چاره‌ای نمی‌دیدند که موضوع بحث را تغییر دهند و بحثی را که درباره هدف و انگیزه آفریدگار در آفریدنش بود را با هدف و فایده آفرینش آفریده‌ها پاسخ گویند.

به مرور دریافتم پاسخ درست به این پرسش‌ها با بهره‌گیری از معارف اهل بیت

۱. منسوب به مولوی.

عصمت علیه السلام ممکن است و مباحث دانشمندان و متفکرین بشری اشکالاتی دارد که نمی‌تواند پاسخی درخور را فراهم سازد. در طی این سال‌ها نیز در جلسات گوناگون و در سطوح مختلف اعم از دانش‌آموزی و یا دانشجویی و بالاتر، این قبیل پرسش‌ها مطرح می‌شد. اما پاسخ‌گویی به آن‌ها گاهی چهار جلسه و گاهی شش جلسه را به خود اختصاص می‌داد و گهگاهی هم برای شنونده‌ای که چندان مشکل ذهنی در این زمینه نداشت و مطلب را سریع‌تر می‌گرفت، در یک جلسه فشرده خلاصه می‌شد. مبنای اولیه این کتاب برگرفته از ۶ جلسه سخنرانی در تابستان سال ۱۳۹۳ است.

دکتر مهدی خسروی که مدتی گفتارهای مرا در مورد «بلايا و گرفتاری‌ها» قلم زده و برای آن اسناد و مدارک متنوعی گردآورده و آن را بهترین کتاب منتشر شده از خود می‌دانم و به طبقات مختلف توصیه مطالعه آن را دارم؛ این بار نیز با تلاش و جدیت فراوان در طول این چند سال مدارک و اسناد فلسفی و عرفانی و روایی را بدون مراجعه به بنده جمع‌آوری کرده و با دقت هر چه تمام‌تر از عهده بررسی و تحقیق این بحث برآمده و کتاب حاضر را به پویندگان راه علم تقدیم نموده است. هر چند کتاب به نام من و اصل و ریشه بحث از آن اینجانب است و مسئولیت مطالب آن را بر عهده گرفته‌ام، ولی بارور کردن مطالب و به نتیجه رساندن و شرح و بسط و آوردن اسناد و مدارک مربوط به ایشان است و لذا ایشان را به عنوان شریک خود در تألیف این مجموعه می‌دانم.

در این کتاب به دیدگاه عارفان و فیلسوفان اسلامی نظری افکنده‌ایم و تفاوت دیدگاه آنان با آنچه که از روایات معصومین علیهم السلام به دست می‌آید، به گونه‌ای ساده و روشن مطرح کرده‌ایم.

محوریت پرسش از هدف خلقت، چرایی و انگیزه خداوند است. ولی در گفتار بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران هدف خلقت از «انگیزه» به «مقصد» آفرینش تغییر کرده و درباره «تکامل» که هدف نهایی خلقت است بحث کرده‌اند. حال آن‌که سؤال این نیست. سؤال از کار خداوند است که چه می‌خواست که آفرید؟ آیا از تنهایی و خلوتگاه خود ناراحت بود و آفرید که خود را سرگرم کند و از تنهایی به در آید؟ یا بنا

به جمله‌ی معروفی که به حدیث قدسی مشهور است:

كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأُعْرَفَ.^۱

اگر هدف خلقت معرفت و شناخت خداوند توسط موجودات است، آیا خداوند نیازمند به شناخت دیگران بود و آفرید تا شناخته شود؟ لذا این قبیل پاسخ‌ها مشکل را حل نمی‌کند.

در این مقاله ابتدا جایگاه این پرسش را بررسی کرده‌ایم. گفتیم این سؤال را از چه کسانی باید پرسیم؟ آیا همه انسان‌ها این سؤال را دارند و یا فقط مربوط به کسانی است که برای جهان هستی، آفریدگاری را باور دارند؟ چرا که اگر کسی جهان را پدیده‌ای بداند که بر اثر تصادف به وجود آمده و یا از آزل وجود داشته و آفریدگاری ندارد، دیگر این سؤال برای او مطرح نیست و سؤال از هدف خلقت برایش سؤال بی‌پایه و بی‌معنی است. بنابراین پرسش از «هدف خلقت» از سوی ماتریالیست‌ها، سؤال است غلط و بی‌جا.

سؤال در صورتی درست است که خالق و آفریدگاری برای جهان قائل باشیم، تا پرسیم که هدف او از این کار چه بوده است؟ پس سؤال در محدوده ادیان الهی است. آیا پرسش از هدف خلقت، تنها سؤال در مذهب شیعه است و یا مربوط به کل جامعه اسلامی است؟ روشن است که پاسخ به این سؤال مخصوص یک عالم شیعی نیست که اگر احیاناً نتوانست پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد، بر تشیع ایرادی وارد شود. آیا دانشمند مسیحی و یهودی و زردشتی و... نباید پاسخ این پرسش را بدهد؟

نکته‌ی بعدی تفاوت بین سؤال، اشکال و شبهه است. وقتی چرایی هدف خلقت، به صورت سؤال مطرح شود، اگر هم جوابی برای آن پیدا نشد، مثل بسیاری از سؤالاتی است که تاکنون برای بشر بی‌جواب مانده است. گفتیم از ویژگی‌های علم بشری آن است که هر چه بیشتر جلو می‌رود، بر سؤالاتش افزوده می‌شود. در واقع آن روز نخواهد آمد که بشر بی‌سؤال بماند و پاسخ همه سؤالاتش را دریافت کرده باشد. حال

۱. شرح اصول کافی (صدر) ۳ / ۱۱۹: (من خداوند) گنجی پنهان بودم، دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق را آفریدم تا مرا بشناسند.

اگر یک عالم مسلمان اعم از شیعه و یاسنی جواب درستی نداشت، آیا بر اسلام ایرادی وارد می‌شود؟

ولی شبهات و اشکالات وارده بر یک ایدئولوژی باید پاسخ داده شود. و الا به آن عقیده نمی‌توان پای‌بند بود یا از آن عقیده طرفداری و دفاع کرد. ما در این گفتار روشن کرده‌ایم که موضوع چرایی هدف خلقت، سؤال است و نه اشکال. بر فرض اگر پاسخی نیافتیم، مشکلی بر عقاید ما وارد نمی‌شود. در همین گفتار، تفاوت بین هدف به معنای «انگیزه‌ی» حرکت و هدف به معنای «مقصد» حرکت را کاملاً توضیح داده‌ایم، که عموماً معنای دوم به عنوان هدف خلقت تلقی می‌شود. اگر بتوانیم بین مقصد و انگیزه وحدتی برقرار کنیم، شاید به جواب سؤال رسیده باشیم.

در پایان، شبهه وجود شیطان و موجودات شرور و شبهه عذاب دنیا و آخرت را برای انسان خطا کار توضیح داده‌ایم که منافات با لطف خداوند در اصل آفرینش ندارد. به این پرسش پرداخته‌ایم که افرادی که به ظاهر می‌گویند از خلقت خود ناراحت و ناراضی هستند، آیا از اصل خلقت خود ناراحتند و یا از کمبودها و کاستی‌های آن؟

تلاش ما این بوده که مبحث را برای دانش‌پژوهان، ساده و روشن بیان کنیم و تشویش احتمالی از این سؤال بس بزرگ را به آرامش و خاطر جمعی برسانیم. اما مدعی نیستیم که از این ساده‌تر و قانع‌کننده‌تر نمی‌توان گفت. امیدواریم خداوند متعال به گویندگان و یا نویسندگان توفیق دهد که مطلب را ساده‌تر از گفتار ما بیاورند و خدمتی به دفع دغدغه سؤال‌کنندگان و شبهه‌داران بفرمایند. باشد که این کتاب، بتواند پاسخ‌گوی مناسبی برای مخاطبین و خوانندگان باشد و این ناقابل بتواند در حد خود، گردی از غربت معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و صاحب آن حضرت و لئی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بزداید.

به هر حال از همه دست‌اندرکاران نشر این کتاب صمیمانه سپاسگزارم و از خداوند برایشان توفیقات روزافزون را خواستارم.

و الله ولی التوفیق

زمستان ۱۳۹۹

سید حسن افتخارزاده